

باورهای بومی و فرهنگ مشترک مردمان نجد ایران جستجو کرد. حتی حملات ویرانگر اعراب و مغولان هم نتوانست ریشه های تنومند آن را بخشکاند. عجباً که اقوام ایرانی زیرکانه توانستند مهاجمان حاکم را جذب فرهنگ خود کنند و آنان را با نوروز، پیک مهر و عشق، آشتی دهند. پس نوروز ماندنی که شد هیچ، حتی در بخش وسیعی از مسیر جاده ابریشم نیز گسترش یافت.

کشورهای حوزه نوروز که یکی از مراکز مهم تمدن جهان محسوب می شوند در محدوده بسیار وسیعی در خاور میانه، آسیای میانه، قفقاز و شبه جزیره هند و حتی در جزیره زنگبار (شرق قاره آفریقا) پراکنده اند. هرچند مراسم جشن نوروز در میان مردمان این حوزه بر حسب تنوع و زیبایی های قومی، فرهنگی و ویژگی های اقلیمی رنگ و بوی متفاوتی دارد، ولی نزد همگان روح و انگیزه ای یگانه دارد. مهم این بوده که نوروز نماد شادی و همزیستی، تعامل و تفاهم باشد. هیچ فرمول مشترکی برای شکل و محتوای مراسم و سفره نوروزی وجود ندارد. هر قومی بسته به ذوق و هنر و خلاقیت خود به آن هویتی بومی داده است. برای مثال در شبه جزیره هندوستان که نوروز به نام «هولی» مشهور است، بهار را با مراسم آب پاشی (جشن آب ریزان)

و پراکندن پودر های رنگی آغاز می کنند. جشن آبریزان که در فرهنگ زرتشتی ریشه دارد و مظهر پاکی است در زمان ساسانیان یکی از رسوم رایج بوده و هنوز در پاکستان، آسیای میانه و در نقاطی از ایران هم رواج دارد. مردم هندوستان نخستین روز بهار را در کنار آتش جشن می گیرند. نوازندگان می نوازند و حاضرین به وجد آمده پایکوبی می کنند. پارسیان هند که از همه



نوروز جشن فرا ملیتی

سپهر یوسفی

دیگر جشن های فصلی ایران باستان مانند مهرگان، سده و یلدا را خلق کرده است. در میان این جشن ها ، نوروز بی گمان به گونه ای خودجوش به بخش مهمی از هویت ملی، میراث فرهنگی و وجه تمایز این اقوام بدل گشت. علت سخت جانی و پایداری نوروز در درازنای تاریخ را باید در همین

در جهان کمتر قومی را می توان یافت که به گونه ای فرارسی بهاران و سبزینگی مجدد زمین را گرمی ندارد و نسبت به آمد و شد نرگس و نسرين بی تفاوت باشد. به قول سعدی:

آدمی نیست که عاشق نشود فصل بهار
هر گیاهی که به نوروز نجند حطب است



جشن نوروز در هند

اما بهار در میان اقوام ایرانی که با طبیعت و دگرگونی های آب و هوا پیوند معنوی دیرپایی برقرار کرده اند جایگاهی کم نظیر دارد، به طوری که آغاز سال نوی خورشیدی با اولین جلوه های بهار همزمان گردیده است. شاید مهر ناگسستی این اقوام به زیبایی های عناصر چهارگانه آب، آتش، خاک و هوا بوده که نوروز و

اقوام ساکن شبه جزیره در برگزاری نوروز کوشاترند، در آتشکده ها با دیدار خویشاوندان و دوستان و دود کردن چوب صندل شادمانه به استقبال نوروز می روند و با نیایش، توبه و طلب آموزش سال جدید را آغاز می کنند. در پاکستان که نوروز جشن «عالم افروز» نام دارد بخصوص نزد شیعیان عزیز است. آنان به نوروز رنگ مذهبی داده اند، چرا که معتقدند حضرت علی در نوروز به خلافت رسیده است. البته پیوند دادن نوروز با خلافت امام اول

نوروزی را که از هفت میوه خشک و کلوچه تشکیل می شود، «سفره امام علی» می نامند. در شهر مزار شریف، در استان بلخ افغانستان هم در آرامگاهی که منسوب به حضرت علی، خلیفه چهارم، است، میله (جشن) گل سرخ برگزار می کنند. اعتقاد به اینکه حضرت علی در این مکان دفن شده به حدی است که در بالای دروازه شهر این بیت را حک کرده اند:

گویند که مرتضی علی در نجف است
در بلخ بیا بین چه بیت الشرف است



م جشن نوروز در تاجیکستان

و حادثه غدیر خم در بخش مهمی از جهان تشیع مرسوم بوده و هست. در ادبیات فارسی هم شاهد چنین نگرشی هستیم: نوروز از آن شد پرشعف هم صاحب عز و شرف کانون نوروز سالار نجف، آمد به تخت سروری ریشه اینگونه باورها را باید در سلسله صفویه و تلاش های محمد باقر مجلسی برای منطبق ساختن این عید با اسلام و آیین شیعه جستجو کرد. اهل تشیع پاکستان مراسم خود را با خواندن دعا و قرآن شروع می کنند و حتی سفره

در نزدیکی زیارتگاه، بیرقی بنام « ژنده » را که با پارچه های سبز و سرخ تزئین کرده اند برای چهل روز برافراشته می کنند و مردم بویژه معلولین و بیماران حتی از ایران و تاجیکستان برای شفا و معجزه به آن جا می روند و با نذر و دعا کنار علم جمع می شوند و نوروز را جشن می گیرند. در ماه فروردین، استان بلخ پر از لاله های سرخ رنگ است و با زیبایی حیرت انگیزی بهار را مژده می دهد. بومی های منطقه بر این باورند که این گل ها هر ساله از خون

امیر مومنان رنگین می شوند. این داستان کشته شدن سیاوش و روئیدن لاله های سرخ روی مزارش را به یادها می آورد. در کابل هم مردم به دامنه کوه سخی شاه می روند. جشن و پایکوبی های آن جا زبانزد مردم افغانستان است.

نوروز در آسیای میانه یکی از ارکان هویت ملی به شمار می رود که در زندگی اجتماعی آنان نقش بسزایی دارد. همین نیاکان تاجیکان در زمان سامانیان بودند که پس از حمله اعراب، نوروز را به سبک ساسانیان زرتشتی زنده کردند. هنوز باورهای زرتشتی میان آنان مرسوم است. برای مثال برخی از تاجیک ها هنگام نوروز برای نیایش بر سر آرامگاه رفتگان خود می روند. زرتشتیان معتقدند که فروهرها یا روح درگذشتگان به مدت پنج روز پیش از نوروز به دیدار عزیزان خود به زمین بر می گردند. مردم تمدن باستانی سغد که در آسیای میانه از جمله در تاجیکستان کنونی زندگی می کردند، در ماه دوازدهم برای مردگان غذا و نوشیدنی می گذاشتند. در تاجیکستان نوروز با مراسم دیدنی «گل گردانی» شروع می شود. کودکان و نوجوانان کمی پیش از نوروز به دامنه کوه ها و تپه ها می روند و گل های سیه گوش و بایچیچک تازه روئیده را می چینند و درحالی که ترانه ای در وصف بهار می خوانند به شهر یا ده خود بر می گردند. اهل خانه بویژه مسن ترها گل ها را می گیرند، بوسه ای بر آن می زنند و سپس روی چشمانشان می مالند و به پیام آور بهار، گندم، نخود، نسک (عدس) و کمی پول هدیه می دهند. در حین جشن همه به خیابان ها و مراکز تجمع سرازیر می شوند. مسابقه های کشتی با زورآزمایی دو پهلوان سالخورده شروع می شود و در محوطه ای بازتر بزرگتری برگزار می شود. دختران با لباس های

اسب استفاده می کنند. شیر و ماست را که نماد سپیدی و نیکی است در سفره نوروزی می گذارند. به نوزاد هایی که در اوایل بهار زاده می شوند، نام « نوروز بیک» می دهند و ترکه خاصی را دود می کنند تا ارواح خبیث را از خانه و کاشانه خود دور نگه دارند. در قرقیزستان فرارسیدن نوروز را زنان و مردان پیر مژه می دهند و سپس دهقانی به صورتی نمادین با گاوی به شخم و کشت زمین می پردازد. بازار عید نوروز برپا می کنند و گروهی از زنان و مردان هنرمندانه اسب سواری می کنند. در جمهوری آذربایجان، سرزمین نظامی گنجوی و خاقانی شروانی، نوروز مسلماً غریبه نیست، بلکه بخشی از میراث فرهنگی و بومی منطقه اران است.



در آذربایجان، سرزمین آتشکده ها، مراسم چهارشنبه سوری با شور و شوق بیشتری برگزار می شود. یکی از رسم های این منطقه «کلاه گردانی» است. کودکان و نوجوانان کلاهی کنار در خانه همسایه ها می گذارند تا آنان کلاهشان را از شیرینی پُر کنند. در حالی که ایرانی ها سبزه را پس از سیزده روز در آب روان می اندازند، آذربایجانی ها آن را روی سنگ مزار رفتگانشان می گذارند. در مناطق کردنشین عراق، ترکیه و سوریه، مردم روی کوه ها آتش برپا می کنند و پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک ماردوش را که نماد استبداد و ستمگری است، جشن می گیرند. به باور گردان، کاوه از تیره کردها بوده که برای پایان دادن به نسل کشی کردها توسط ضحاک قیام کرده است. به این جهت نمایش حماسه کاوه آهنگر بخش مهمی از مراسم نوروزی آن دیار است.

به جز کشورهای حوزه نوروز، در بخش کوچکی از قاره آفریقا

می کنند که سال نو تا چه حد پر برکت و پر محصول خواهد بود. کدبانوها به جز سمنو، نان و کلوچه های بسیار متفاوتی می پزند که در آسیای میانه شهرت دارند. یهودیان این دو شهر ازبکستان که اکثراً فارسی زبان می باشند در کنار دیگر باشندگان، نوروز را در فضایی صمیمی و شورانگیز جشن می گیرند. نوروز نژاد و آیین و مرزهای سیاسی نمی شناسد. این جشن نشانه پیوستگی و وابستگی انسان با طبیعت است. مردم قزاقستان که زندگی ایشان با اسب پیوند ناگسستنی دارد، حتی برای پختن «کوجه»، غذای نوروزی خود، از گوشت

رنگارنگ و موهای بلند و بافته می رقصند. شایسته ترین دختر نوروزی انتخاب می شود که سوار بر ماشینی پر از گل های بهاری در خیابان های شهر می گردد. با همراهی دهل و سُرنا عروسی های دسته جمعی برپا می کنند. عده ای تمام شب را با موسیقی و پایکوبی بیدار می مانند و سمنک (سمنو) می پزند و هرکس خوابش ببرد بر او آب می پاشند یا با ذغال سیاهش می کنند.

و اما پیام آور آغاز بهار در شهرهای سمرقند و بخارا، مکه و مدینه، فارسی زبانان، دُرناها و

لک لک هایی هستند که در نوروز از سرزمین های گرمسیر به آن سوی کوچ می کنند. بدین دلیل یکی از ترانه های بهاری چنین شروع می شود:

برفا همه آب شود بهار می آید
لک لک به هوا قطار قطار می آید
پیران کارآزموده به تماشای پرواز این پرندگان می نشینند و از ارتفاع پرواز آن ها پیش بینی





جای پای این جشن و رسم های مرتبط با آن نمایان است. بازرگانان شیرازی که از سده دهم میلادی به سواحل شرقی آفریقا و بویژه به جزیره زنگبار (Zanzibar) رفتند، بخشی از فرهنگ ایران از جمله نوروز را در این منطقه رواج دادند. بار دیگر پارسی های زرتشتی که در اوایل قرن بیستم از گجرات هند به زنگبار مهاجرت کردند، در بزرگداشت این جشن در این جزیره کوشیدند، به طوری که مردم زنگبار هنوز نوروز را با مراسم خاص خود از جمله آتش افروزی برگزار می کنند.

ویژگی نوروز نزد همسایگان

جالب توجه است که مراسم نوروز در خارج از ایران، همانند دوره های هخامنشیان، ساسانیان و حتی صفویه، جنبه ای همگانی و دسته جمعی دارد و بیشتر جشنی خیابانی است. مردم دسته دسته در مرکز شهر و ده خود در فضای باز کنار هم جمع می شوند، راه پیمایی می کنند، موسیقی می نوازند، پایکوبی می کنند، در گوشه و کنار شهر سمونویزان راه می اندازند و شیرینی و غذا می خورند. نوروز در افغانستان بیشتر به سبزه بدر ایران شبیه است. مردم برای «سبزه لگد کردن»، یعنی هواخوری و استقبال از بهار به کوه و دشت می روند و با هم در دامن طبیعت به جشن و پایکوبی می پردازند. در مزار شریف، حامد کرزای، رئیس جمهور افغانستان، هم به گونه ای سمبولیک در مسابقه بزرگشی شرکت می کند. در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، مردم برای مراسم نوروز به «پارک دوستی» می روند. حتی مقامات دولتی و رئیس جمهور در جشن خیابانی و مسابقه کشتی شرکت می کنند. یکی از رسوم فرخنده نوروز نزد تاجیکان، پیوند زناشویی بین دختران و پسران دم بخت است که دسته جمعی، دست در دست در خیابان ها قدم می زنند

و مردم برایشان آرزوی خوشبختی و تندرستی می کنند. در قرقیزستان مردم از پگاه به میدان مرکزی شهر می ریزند و با اسب سواری، نمایش و موسیقی غلغله برپا می کنند. هندی ها در کنار آتش تمام شب را بیدار می مانند و با لباس های رنگی پایکوبی می کنند. اینها همه در حالی است که نوروز در ایران، بویژه در شهرهای بزرگ، بیشتر یک جشن خانوادگی و خصوصی است، هرچند که دید و بازدیدها به آن جنبه اجتماعی می دهد.

زمان طالبان حتی ممنوع شد، ولی محبوب ماند. عصیبت طالبان تا حدی بود که تقویم خورشیدی را که با نوروز آغاز می شود به نفع تقویم قمری باطل کردند. نوروز در آسیای میانه و قفقاز با کوه اندیشی و ذهن ایدئولوژیکی کشور شوراها که طرد علایق و رسوم خلق ها را بویژه در زمان استالین در برنامه خود قرار داده بود، روبرو شد ولی با اجرای سیاست فضای باز گرجاچف و استقلال کشورهای آسیای میانه و قفقاز در اوایل سال های نود رسمیت پیدا کرد و دوباره با شکوه بیشتری برگزار شد. البته برژنف در سال های هفتاد سعی در کاهش سخت گیری در برگزاری نوروز داشت، بطوری که در پیامی از نوروز به عنوان «جشن مذهبی مردم آسیای میانه» نام برد. جالب اینجاست که در دوران شوروی، سیاستمداران این جمهوری ها برای پاسداری از نوروز که بخشی از هویت ملی آنان را تشکیل می دهد، سعی کردند تا برای پذیرش این جشن توسط مسکو به آن رنگ سوسیالیستی دهند.

ادامه در صفحه ۶۴

تحوالات پر آشوب قرن بیستم موجودیت نوروز و مراسم گوناگون مرتبط با آن را بار دیگر مورد تهدید خطرناکی قرار داد. البته پر واضح بود که چنین غول فرهنگی ای در برابر ناخردی ها و دشمنی های حکومتگران این قرن هم زانو خم نکند. در قرن بیستم نوروز در ایران در رقابت نابرابر با دهه فجر جمهوری اسلامی قرار گرفت، ولی مغلوب نشد. در افغانستان دو سه دهه جنگ و خونریزی را پشت سر گذاشت و در

رستاخیز نوروز

تحوالات پر آشوب قرن بیستم موجودیت نوروز و مراسم گوناگون مرتبط با آن را بار دیگر مورد تهدید خطرناکی قرار داد. البته پر واضح بود که چنین غول فرهنگی ای در برابر ناخردی ها و دشمنی های حکومتگران این قرن هم زانو خم نکند. در قرن بیستم نوروز در ایران در رقابت نابرابر با دهه فجر جمهوری اسلامی قرار گرفت، ولی مغلوب نشد. در افغانستان دو سه دهه جنگ و خونریزی را پشت سر گذاشت و در

منابع فارسی:

- ۱- گاه شماری و جشن های ایران باستان: همراه با آیین ها و مراسم برگزاری و شرح سنت ها و باورهای کهن از روزگار باستان تا امروز، هاشم رضی، انتشارات بهجت، تهران ۱۳۷۱.
- ۲- آداب و رسوم نوروز در میان تاجیکان آسیای مرکزی، سید مهدی حسینی اسفید واجانی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۲.
- ۳- نوروز در ایران و سرزمین های دیگر، قربانعلی سولقانی، گروه فرهنگی طوبا،

<http://www.toobaa.ir/toobaa>.

۹۱=asp?page=view&id

- ۴- مجموعه مقالاتی درباره نوروز در صفحه ویژه نوروز ۱۳۸۳، بخش فارسی رادیوی بی بی سی،
- ۵- مقالات گوناگون درباره نوروز در پایگاه اطلاع رسانی نوروز، پژوهشکده مردم شناسی (سازمان میراث فرهنگی) <http://www.nowruz.ir>
- ۶- نوروز، نشان همبستگی ایرانیان، ح. نظری (غازیانی)، کلن اسفند ۱۳۷۰.
- ۷- نوروز و جهانی شدن، خبرگزاری سینا، تهران چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۸۳.
- ۸- نوروز را پاس داریم، نجم الدین کویانی، www.kotiposti.net/msaleha/nai.html

منابع انگلیسی:

- ۱- The Persian New Year Celebration Nouruz, by Charles Perry, Times Staff Writer, http://www.uottawa.com/new_year_persia.htm
- ۲- Jashn-e Norooz (Norooz Festival), by Farhang Mehr, in Persian Outpost, <http://www.persianoutpost.com/htdocs/JashneNorooz.html>
- ۳- Noruz in Kyrgyzstan, India, China and among T urks, Payvand's Iran News, March ۲۰۰۱, ۲۰, <http://www.payvand.com/news/۰۱/mar/۱۱۰۳.html>

نوروز بر شما فرخنده باد



بقیه از صفحه ۲۵

نوروز جشن فرا ملیتی

میانه و قفقاز که نوروز را جشن می گیرند، نزدیکتر کرد. بدینگونه آنان نوروز را از انحصار کردها در آوردند و به آن هویت فرا قومی دادند. البته نگاه اقتصادی ترکیه به نوروز هم جای تأمل دارد. فستیوال یا کارناوال نوروز در این کشور می تواند جهانگردان غربی را در فصل بهار به ترکیه سرازیر کند. به علاوه مناطق توریستی ترکیه می توانند پذیرای ایرانیانی نیز باشند که می خواهند در فضایی باز و آزاد نوروز را جشن بگیرند. پایان سخن اینکه همه گزارش ها در سالهای اخیر حکایت از رستاخیز نوروز در همسایگی ایران دارد. فراموش نکنیم که میلیون ها نفر از مهاجران کشورهای حوزه نوروز این جشن را در اروپا، آمریکا و دیگر نقاط جهان نیز پاس می دارند.

به امید اینکه سازمان بین المللی یونسکو جشن نوروز را بزودی به عنوان شاهکار و میراث فرهنگ شفاهی به ثبت برساند تا با پشتیبانی این سازمان یکی از سرمایه های معنوی جهان در رویاروی با روند جهانی شدن محفوظ بماند.

سپهر یوسفی، ایران شناس و استاد سابق دانشگاه اتریش (هلند)

برای مثال تاجیکان تلاش کردند که به نوروز نام «جشن دهقانان» بدهند تا از حساسیت آن نزد حاکمان بکاهند. دختر شایسته نوروزی را هم به جای ۲۱ مارس در ۸ مارس، روز زن در کشورهای بلوک شرق، انتخاب می کردند تا از ممنوعیت آن جلوگیری کنند.

در ترکیه هنگام نوروز درگیری هایی بین گردان و ارتش و نیروهای انتظامی ترکیه بوجود می آمد. نوروز نزد کردها جنبه سیاسی پیدا کرد و مظهر مبارزه علیه ستم و اختناق حکومت ترکیه شد، به همین جهت دولتمردان ترکیه با برگزاری این جشن مخالفت شدید می کردند. مقاومت کردها باعث شد که حکومتگران استراتژی خود را عوض کردند و نوروز را به عنوان جشن ملی تمام اقوام ترکیه پذیرفتند. آنان در این حرکت زیرکانه نوروز را که تهدیدی برای منافع ملی و تمامیت ارضی خود می پنداشتند به فرصت تبدیل کردند. این حرکت سیاسی آنکارا، ترکیه را با مردم ترک زبان آسیای